

اسرائیل با سرقت آب کشورهای منطقه برای مردم ایران گری می خواند

آپارتايد هيدرولوژيك



علی ملکی
خبرنگار گروه سیاست

ادعای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در مورد توانایی این رژیم برای حل مشکلات آبی دیگر کشورها، در حالی مطرح می‌شود که آبی که آن‌ها مصرف می‌کنند، عمدتاً متعلق به کشورهای همسایه است. نتانیاهو و دیگر مقامات این رژیم بارها به توانایی‌های رژیم در مدیریت آب اشاره کرده‌اند و این موفقیت را به‌عنوان یک دستاورد بزرگ در برابر بحران‌های منطقه‌ای به نمایش گذاشته‌اند. این روایت مدعی است اسرائیل با هوش و نوآوری خود توانسته بر چالش‌های کم‌آبی غلبه کند و حتی به یک صادرکننده آب تبدیل شود.

ادعاهای این چنینی، اغلب با سرزنش و مقصر دانستن کشورهای دیگر از جمله ایران، به دلیل ناتوانی در مدیریت منابع آبی خود همراه است. نتانیاهو در پیام‌های خود به مردم ایران، با استفاده از بحران آب سعی در تحریک و دعوت به شورش‌های خیابانی دارد. نگاهی به تاریخ هیدروپلیتیک و داده‌های آماری این حوزه، نشان می‌دهد که بخش مهمی از امنیت آبی اسرائیل نه از نوآوری، بلکه از اشغال، غصب و استفاده از زور تأمین می‌شود. این رژیم نه‌تنها نماد سلاح‌سازی آب بلکه به‌عنوان تمثال جنگ آب شناخته می‌شود و این سابقه نشان می‌دهد که هیچ‌گاه نمی‌تواند ادعایی برای حل مشکلات آبی سایر کشورها داشته باشد.

دزدی ۸۰ درصدی آب کرانه

بحران آب در سرزمین‌های اشغالی فلسطین ریشه در سال ۱۹۶۷ دارد، زمانی که اسرائیل کنترل منابع آب در کرانه باختری را به دست گرفت. این کنترل با امضای توافق‌نامه موقت اسسلو (اسلو دوم) در سال ۱۹۹۵ که قرار بود یک راهکار موقت پنج‌ساله باشد، رسمی شد. این توافق‌نامه مقادیر آب اختصاص‌یافته به هر طرف را مشخص کرد.

توافق همچنان به‌قوت خود باقی است و به دلیل تخصیص ناعادلانه منابع آب فرامرزی، اسرائیل در حال حاضر تقریباً ۸۰ درصد از ذخایر آب در کرانه باختری را کنترل می‌کند. این کنترل توسط مکوروت (Mekorot)، شرکت ملی آب اسرائیل اعمال می‌شود که از سال ۱۹۶۷ مدیریت منابع آب کرانه باختری را بر عهده گرفته و شهرک‌های اسرائیلی را به شبکه تأمین آب خود متصل کرده است.

طبق گزارشی از اداره ملی دفاع از زمین و مقاومت در برابر شهرک‌سازی‌ها، ۵۲ درصد از آب کرانه باختری به مصرف اسرائیلی‌ها منحرف می‌شود، درحالی‌که ۳۲ درصد دیگر به شهرک‌ها اختصاص می‌یابد. این توزیع ناعادلانه، تنها ۱۶ درصد از منابع آب کرانه باختری را برای فلسطینی‌ها باقی می‌گذارد که این روزها همان هم به‌سختی وصول می‌شود.

صهیونیست‌ها ۱۲ برابر بیشتر از فلسطینی‌ها آب متعلق به آن‌ها را مصرف می‌کنند

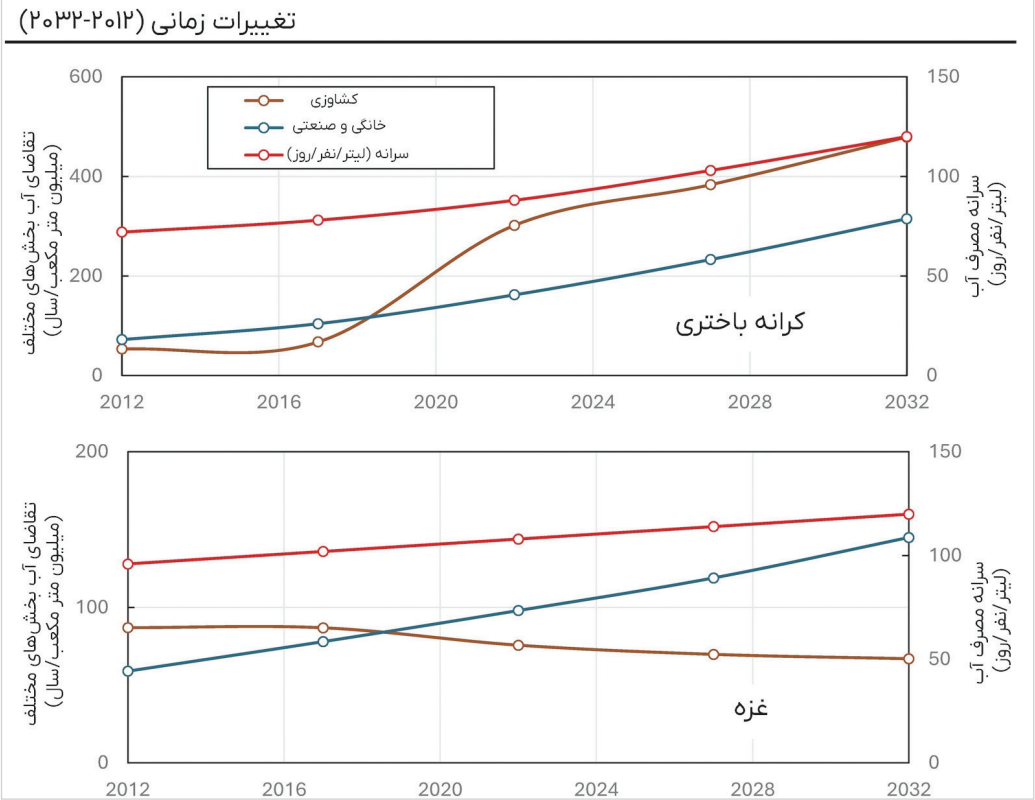
یکی از شاخص‌ترین نمودهای این نابرابری، مصرف سرانه آب است. داده‌ها تفاوت‌های چشمگیری را نشان می‌دهند که فراتر از هرگونه توجیه فنی یا طبیعی است و نمایش واقعی از یک آپارتاید آبی است. این آمار رسمی اعلام‌شده، نابرابری ۷ به ۱ را نشان می‌دهد. میزان مصرف رسمی اعلام‌شده آب برای ساکنان رژیم صهیونیستی ۲۰۴ میلیارد مترمکعب در سال است، درحالی‌که این میزان برای فلسطینی‌ها تنها ۳۰۰ میلیون مترمکعب در سال است. بااین‌وجود بسیاری از متخصصان حوزه آب این آمار را غیرواقعی و دست‌کاری‌شده توسط اسرائیل اعلام می‌کنند و نسبت واقعی حق استفاده از آب اسرائیلی‌ها به نسبت به فلسطینی‌ها را ۹ به ۱۲ و حتی ۱ به ۱۸۵ لیتر آب طبق داده‌های مختلف آماری، یک فلسطینی به‌طور متوسط حدود ۷/۸۵ لیتر آب در روز مصرف می‌کند. این مقدار به‌طور قابل‌توجهی کمتر از حداقل ۱۰۰ لیتر توصیه‌شده توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO) است. در برخی مناطق که تحت‌کنترل کامل نظامی اسرائیل هستند، فلسطینیان با تنها ۲۰ لیتر در روز زندگی می‌کنند که به‌طرز وحشتناکی پایین‌تر از استانداردهای یک زندگی انسانی است. در سال ۲۰۱۰، کمیته حقوق بشر اعلام کرد «در مورد کمبود آب که به‌طور نامتناسبی بر جمعیت کرانه باختری تأثیر می‌گذارد، به دلیل جلوگیری از ساخت و نگهداری زیرساخت‌های آب وفاضلاب و همچنین ممنوعیت ساخت چاه‌ها، نگران است.» در مقابل، اسرائیلی‌ها به‌طور متوسط بیش از ۳۰۰ لیتر آب در روز مصرف می‌کنند. رقمی نزدیک به چهار برابر مصرف فلسطینی‌ها. گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۴ تخمین زد که ساکنان اسرائیل و شهرک‌های اسرائیلی حدود ۲۵۰ لیتر آب در روز مصرف می‌کنند، درحالی‌که فلسطینی‌ها تنها به ۸۴ لیتر دسترسی دارند. گزارش دیگری از سال ۲۰۱۲ نیز نشان می‌دهد مصرف روزانه فلسطینی‌ها حدود ۸۲ لیتر است، درحالی‌که برای اسرائیلی‌ها ۳۲۰ لیتر است.

حملهٔ شهرک‌نشین‌ها به منابع آب غزه

بحران آب تنها به توزیع نابرابر محدود نمی‌شود. سیاست‌های اسرائیل و اقدامات شهرک‌نشینان غیرقانونی، به زیرساخت‌ها و منابع حیاتی آب فلسطینی‌ها آسیب رسانده است. پایگاه آنتولوئی طی گزارشی در سال ۲۰۲۳ به‌شدت داد مقامات اسرائیلی و شهرک‌نشینان غیرقانونی تلاش‌های خود را برای تصرف منابع آب فلسطینی‌ها تشدید کرده‌اند که شامل «تخریب بیش از ۵۰۰ چاه جمع‌آوری آب باران» در سراسر کرانه باختری می‌شود. حمله اخیر شهرک‌نشینان به چشمه عین سامیه در شرق رام‌الله منجر به توقف کامل پمپاژ آب به دهه‌اروستا و شهر شد. در نوار غزه، وضعیت فاجعه‌بارتر است. جمعیت غزه عمدتاً از «آبخوان ساحلی» تغذیه می‌شود که تنها منبع آب شیرین در این منطقه است. بااین‌حال، به دلیل پمپاژ بیش از ظرفیت (نزدیک به سه برابر نرخ تجدید آن)، آب دریا به داخل آن نفوذ کرده و آن را آلوده کرده است. گزارش تیم کشوری سازمان ملل ۱۳ سال پیش و قبل از اینکه رژیم اسرائیل مانند این روزها، خوی وحشی گرایانه‌اش را به رخ دنیا بکشد، اعلام کرد ۹۰ تا ۹۵ درصد از آب آبخوان برای مصرف انسان نامناسب است. تشدید حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به غزه، این وضعیت را تشدید کرده و به تخریب گسترده زیرساخت‌های آب وفاضلاب منجر شده است. در سال ۲۰۱۴، در هفته‌های اول پس از آتش‌بس، تخمین زده شد که ۱/۲ میلیون نفر از ساکنان غزه به آب جاری دسترسی نداشتند. در سال ۲۰۲۴، دیده‌بان حقوق بشر هشدار داد حملات اسرائیل به زیرساخت‌های آب وفاضلاب در غزه، بخش مهمی از «جنایت نسل‌کشی» است.

فناوری آب یا غصب منابع؟

قابل‌انکار نیست که اسرائیل در زمینه فناوری‌های آبی حرف‌هایی برای گفتن دارد. این رژیم حدود ۸۶ درصد از فاضلاب خانگی خود را تصفیه و برای کشاورزی بازیافت می‌کند و پروژه‌های نمک‌زدایی در مقیاس بزرگ



را اجرا کرده است. این کارخانه‌ها می‌توانند نیازهای آبی مصرف‌کنندگان اسرائیلی را تضمین کنند. بااین‌حال، این تکنولوژی‌ها نباید این واقعیت را پنهان کنند که بخش قابل‌توجهی از آب اسرائیل همچنان از منابع طبیعی غصب‌شده تأمین می‌شود.

کنترل بر منابع طبیعی حیاتی: حدود ۶۰ درصد از تأمین آب اسرائیل توسط منابع طبیعی، از جمله آبخوان کوهستانی و حوضه رود اردن تأمین می‌شود. آبخوان کوهستانی، که بزرگ‌ترین و باکیفیت‌ترین منبع آب در منطقه است، بیش از ۸۰ درصد از منطقه تغذیه آن از بارش باران در کرانه باختری تأمین می‌شود. با این حال، اسرائیل مقدار قابل‌توجهی از آب این را از طریق بیش از ۳۰۰ چاه خود استخراج می‌کند، درحالی‌که به فلسطینی‌ها اجازه حفر چاه‌های جدید داده نمی‌شود.

پروژه حامل آب ملی (NWC): این سیستم کانال و خط لوله به طول ۱۳۰ کیلومتر، به‌تنهایی سالانه ۳۲۹ میلیون مترمکعب آب از رود اردن منحرف می‌کند که بیش از یک‌چهارم کل جریان آن است. این اقدام به کاهش سطح رود اردن و در نتیجه به کاهش قابل‌توجه سطح آب «دریاي مرده» منجر شده و به آکویسمت وابسته به آن آسیب رسانده است.

این پروژه به‌تنهایی یک‌سوم نیازهای آبی اسرائیل را تأمین می‌کند. بنابراین، موفقیت‌های فناوریانه اسرائیل در کنار سیاست‌های نظامی و کنترل بر منابع آب طبیعی قرار گرفته است. حتی درحالی‌که این رژیم سرمایه‌گذاری زیادی در فناوری‌های آبی انجام می‌دهد، همچنان بخش قابل‌توجهی از آب خود را از طریق غصب منابع فلسطینی‌ها تأمین می‌کند.

سلاح‌سازی با آب

کارشناسان حوزه دیپلماسی آب با اشاره به برخی مطالعات اشاره می‌کنند که در ۶۰ سال گذشته بیش از ۳۷ مورد تنش آبی بین کشورهای مختلف صورت گرفته و منجر به درگیری‌های نظامی شده که از این‌بین، بیش از ۳۰ مورد آن مربوط به درگیری‌های اسرائیل بر سر منابع آب مشترک با همسایگان سرزمین‌های اشغالی بوده است. این مسئله باعث شده اسرائیل از آب به‌عنوان یک سلاح و ابزار نظامی علیه مردم استفاده کند.

سیاست‌های آبی اسرائیل در قبال همسایگانش، حتی با آن‌هایی که پیمان

اربعین متنی برای نظریه‌سازی

یوسف پورجم

خبرنگار

اگر اربعین یک «متن زنده» است که می‌توان آن را خواند، باید توجه داشت که این متن فقط برای فهم نیست، بلکه برای نظر‌یاسازی و تولید مدل قابل اجرا در سطح کلان هم است. در علوم انسانی غربی، نظریه‌ها اغلب بر داده‌های حاصل از جوامع سکولار بنا شده‌اند. همین باعث می‌شود وقتی این نظریه‌ها راه جوامع ایمانی تعمیم می‌دهیم، بخش مهمی از واقعیت را از دست بدهیم. این در حالی است که اربعین یک منبع داده‌بومی و دینی غنی است که می‌تواند برای تولید نظریه برای حکمرانی به کار بیاید. حکمرانی دینی (که معادل دقیق آن Divinely-Inspired Governance یا Religious Governance است) یعنی سازوکار اداره زندگی جمعی که مبتنی بر سه‌رکن است. اول، ایمان مشترک به‌عنوان عامل پیونددهنده قرار بگیرد نه قومیت یا جغرافیا. دوم، تکلیف محوری به جای صرفاً حق محوری مبنای عمل جمعی قرار داشته باشد و سوم، شبکه همبستگی فراملی به جای وابستگی صرف به نهادهای دولت – ملت تشکیل شده باشد. قرآن در آیه تَعَاوُنُوا عَلَی الْبِرِّ وَالتَّقْوَى دقیقاً همین مفهوم مرکزی را بیان می‌کند که تعاون و همیاری باید بر محور خیر و پرهیزگری صورت پذیرد، نه صرفاً بر اساس قرارداد‌های سیاسی یا منافع موقت. این دقیقاً همان چیزی است که به‌وضوح و با کارایی کامل در اربعین پیاده شده و قابل مشاهده است.

اربعین و شاخص‌های حکمرانی دینی

وقتی این نگاه را به اربعین می‌آوریم، چند شاخص کلیدی به دست می‌آید. یکی سازمان‌دهی غیرمتمرکز به این معنی که هیچ نهاد مرکزی واحدی اربعین را مدیریت نمی‌کند، اما همه چیز با نظم پیش می‌رود. دیگری اقتصاد خدمت یعنی در این مراسم عظیم با حجم فراوان گردش مالی، مبادله پولی جای خود را به بخشش و اطعام برایگان داده است. همچنین وجود شاخص امنیت اجتماعی از درون، به این صورت که امنیت مسیر بیشتر محصول تعهد اخلاقی زائران است تا کنترل سخت‌افزاری و مهم‌تر از همه ظرفیت‌سازی انسانی اربعین؛ چراکه افراد در اربعین تمرین می‌کنند که خودشان ملیر، خادم و همراه باشند.

پیوند با تربیت فطری

در تربیت اسلامی، فطرت یک سرمایه خام است که باید پرور یابد. قرآن می‌فرماید: «فَطَرْتُ إِلَهِیَ فَطَرْتُ الْإِنْسَانَ عَلَیْهَا» همان سرشتی که خداوند مردم را بر آن سرشته است. اربعین این فطرت را از حالت پنهان بیرون می‌آورد. وقتی یک نوجوان، حتی بدون آموزش رسمی، در موکب می‌ایستد و به‌غریبه‌ها آب می‌دهد، این همان فطرت کرامت و ایثار است که مجال ظهور یافته. این تجلی عینی همان مفهومی است که در روایات هم داریم، «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (همانا من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به کمال رسانم).

از داده تا نظریه

اگر علوم انسانی مابین‌انداین داده‌های زنده را به‌زیان نظریه ترجمه‌کند، حاصلش ایسن خواهد بود که به جای الگوبری از مدل‌های غربی برای اداره اجتماع، یک مدل مبتنی بر تجربه امت اسلامی خواهیم داشت و به جای تحلیل‌های تک‌بعدی رسانه‌ای، وارد تحلیل‌های عمیق حکمرانی و فرهنگی می‌شویم و همچنین تربیت فطری و اخلاقی به‌عنوان بُعد اصلی حکمرانی دیده می‌شود و نه حاشیه‌ای. به‌تعبیر قرآن کریم: «وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكَ أَفْوَصًا لِتُزِيلَ اشْهَادَةُ عَلَی النَّاسِ» و این چنین شمارا امت میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید.

چرا علوم انسانی به اربعین مقروض است؟

محمدرضا بابایی

خبرنگار

وقتی از اربعین سخن می‌گوییم، اغلب ذهن‌ها به‌سه‌روایت آشنا می‌رود؛ سه گفتار که در طول سال‌ها، بارها تکرار شده و به یک عادت ذهنی بدل گشته‌اند. اول، گفتار عاطفه‌محور که تمام تجربه اربعین را در اشک و آه و نوحه خلاصه می‌کند، بی آنکه به لایه‌های عمیق‌تری چون ساختار اجتماعی، نظام معنایی و نظم تمدنی آن بپردازد. دوم، گفتار ایدئولوژیک که اربعین را صرفاً به‌عنوان «ابزار اثبات حقانیت یک جریان سیاسی» معرفی می‌کند، نه به‌عنوان یک تجربه زیسته که می‌تواند الگوی حیات جمعی را بازتعریف کند.

و سوم، گفتار سیاست‌زده که با عینک رسانه‌ای و قدرت‌محور، همه این پدیده را به‌صحنه‌ای از رقابت‌های ژئوپلیتیکی فرو می‌کاهد.

این سه نگاه، هر چند ممکن است سهمی از حقیقت را بازتاب دهند، اما در یک چیز مشترکند: بله‌کار بودن به عظمت و غنای اربعین. بدهی‌ای که علوم انسانی ما هنوز تسویه نکرده است. چرا؟ چون اربعین نه یک آیین محلی یا یک گردهمایی مذهبی، که یک متن زنده است؛ متنی که قابلیت خوانش فلسفی، نشانه‌شناختی، زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی دارد. قرآن کریم بارها به این نکته اشاره کرده که امت ایمانی باید «نشانه‌ها» را ببیند و بفهمد: وَفَی الْأَرْضِ آیَاتٌ لِّمَن یُّعَیِّنُ وَفَی أَنفُسِکُمْ أَفْلا تُبْصِرُونَ (ذاریات/ ۲۰-۲۱). در زمین نشانه‌هایی برای اهل یقین است و در وجود خود شما نیز؛ آیا نمی‌بینید؟

اربعین یکی از همین نشانه‌های آشکار است که در زمین (مسیرها، پرچم‌ها، حرکت جمعی) و در انفس (تحمل، ایثار، هم‌قدمی) تجلی می‌کند. از منظر حکمرانی ائت‌محور-کبرخلاف حکمرانی صرفاً ملی یا فردمحور، بر شبسب‌های از روابط ایمانی، عاطفی و تکلیفی در مقیاس ائت استوار است. اربعین یک «آزمایشگاه طبیعی» برای سنجش توانایی جامعه‌مؤمن در سازمان‌دهی خودجوش، تعاون و اداره جمعی زندگی است. آیه شریفه می‌فرماید: إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَکِّمٌ فَاغْبُثُوا (انبیاء/ ۹۲). این امت شماست، امتی یکگانه، و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستید. در این نگاه، اربعین صرفاً یک رخداد عبادی نیست؛ یک تمرین حکمرانی اقت است. اما اگر از زاویه تربیت فطری نگاه کنیم، اربعین چیزی فراتر از یک شعائر مذهبی است. در روایت آمده است «الْإِنْسَانُ مَعَانٍ کَثَافٍ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۷)، مردم معادن هستند همچون معادن طلا و نقره. اربعین، این معادن را از دل خاک عادت و روزمرگی بیرون می‌کشد و در معرض تابش معنویت و مسئولیت جمعی قرار می‌دهد. در واقع، علوم انسانی اگر بخواهد اربعین را بفهمد، باید از توصیف عاطفی عبور کند و وارد تحلیل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی شود. هستی‌شناسی برای فهم «بودن جمعی» و هم‌زمان تجربه «دیگری ایمانی» و معرفت‌شناسی برای بازتعریف نسبت ما با مکان (مسیر)، زمان (چهل روز) و بدن (تحمل، حرکت، هم‌گامی).

و اینجاست که می‌توان گفت اربعین در قامت یک متن زنده، نه فقط موضوع علوم انسانی که معیار و محک آن است.

توضیح نمودارهای یک ودو

* برخی از داده‌های این نمودارها مربوط به سال‌های پیش از جنایت‌های تازه رژیم صهیونیستی پس از هفت اکتبر است. بااین‌حال نشان داده شده که در سال ۲۰۲۰، سرانه مصرف آب در اسرائیل (۳۲۰ لیتر/نفر/روز) بسیار بالاتر از فلسطین (۸۲ لیتر) بود که این میزان در فلسطین کمتر از حداقل استاندارد سازمان بهداشت جهانی (۱۰۰ لیتر) است. دسترسی به آب نیز در کرانه باختری (۹۵ درصد) بسیار بهتر از نوار غزه (۱۱ درصد) است. پیش‌بینی‌ها در آن سال و بدون درنظرگرفتن جنایت‌های جدید نشان می‌دهند که تا سال ۲۰۳۲، تقاضای آب و سرانه مصرف در کرانه به باختری افزایش می‌یابد، درحالی‌که در نوار غزه، این مقادیر ثابت خواهند ماند و حتی کارشناسان معتقدند در دو سال اخیر نزولی بوده است.

منابع: گزارش سرویس تحقیقات پارلمان اروپا (EPRS) – خبرگزاری آنتولوئی و پایگاه Frontiers in Water

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۴
شماره ۴۴۸۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

چرا علوم انسانی به اربعین مقروض است؟

محمدرضا بابایی

خبرنگار

وقتی از اربعین سخن می‌گوییم، اغلب ذهن‌ها به‌سه‌روایت آشنا می‌رود؛ سه گفتار که در طول سال‌ها، بارها تکرار شده و به یک عادت ذهنی بدل گشته‌اند. اول، گفتار عاطفه‌محور که تمام تجربه اربعین را در اشک و آه و نوحه خلاصه می‌کند، بی آنکه به لایه‌های عمیق‌تری چون ساختار اجتماعی، نظام معنایی و نظم تمدنی آن بپردازد. دوم، گفتار ایدئولوژیک که اربعین را صرفاً به‌عنوان «ابزار اثبات حقانیت یک جریان سیاسی» معرفی می‌کند، نه به‌عنوان یک تجربه زیسته که می‌تواند الگوی حیات جمعی را بازتعریف کند.

و سوم، گفتار سیاست‌زده که با عینک رسانه‌ای و قدرت‌محور، همه این پدیده را به‌صحنه‌ای از رقابت‌های ژئوپلیتیکی فرو می‌کاهد.